

## عنوان مقاله:

منطق شرطی و مبانی فلسفی آن

## محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 4، شماره 16 (سال: 1387)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

## نویسنده:

رضا رسولی شریانی - هیئت علمی دانشگاه امام خمینی

## خلاصه مقاله:

یکی از پرسشهای اساسی در منطق این است که چرا ارسطو به «منطق شرطی» پرداخته است؟ او که به عنوان مدون منطق شناخته میشود چگونه ممکن است به این بحث مهم توجهی نداشته باشد؟ آیا این بیتوجهی فقط یک غفلت است یا عمدی است و ارسطو دلیلی برای آن دارد؟ ما در این مقاله پس از بررسی منطق شرطی (قضایا و قیاسهای شرطی) از دیدگاه رواقیون و بیان اهمیت آن نزد منطقدانان جدید، به مبانی نظری و فلسفی دو نظام منطق حملی و شرطی میپردازیم. با مطالعه فلسفه ارسطو و با توجه به دیدگاه خاص او در مورد مقولات و اندراج اشیا در مقولات دهگانه، معلوم میشود که ارسطو دارای تفکری ذاتگرا بوده و این امر با تفکر تجربهگرایی رواقیون کاملاً متفاوت است؛ زیرا در اندیشه فلسفی رواقیون به قوانین خارجی اشیا توجه میشود و نه به ذات یا ماهیت آنها. بنابراین، رواقیون از منطق حملی عدول کرده و به منطق شرطی پرداختهاند زیرا چنین نگرشی به موجودات اقتضای نظامی اندراجی و حملی را ندارد؛ همچنانکه با نگاه مقولهای به موجودات عالم نمیتوان به صورت شرطی و باتردید و تعلیق سخن گفت. به عبارت دیگر، با توجه به مبانی فلسفی و معرفتشناختی ارسطو نمیتوان منطق شرطی را پذیرفت. به همین دلیل ارسطو در آثار خود وارد بحث درباره قضایا و قیاسهای شرطی نشده است، در حالی که نحله مگاری پیش از او به این مباحث پرداخته بودند و پس از او نیز این بحث توسط رواقیون به طور جدی دنبال شده است چرا که با هستیشناسی آنان سازگارتر بود.

## کلمات کلیدی:

منطق حملی، منطق شرطی، فلسفه منطق

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1194510>

